



The Role of Schema Modes in the Intergenerational Transfer of Early Maladaptive Schemas of Mother and Child and the Formation of Criminal Thinking Patterns in Students



Zeinab Fayyaz Pars¹ MD, Shahrbanoo Aali^{1*} PhD, Ali Ghanaei Chamanabad¹ PhD, Fatemeh Teimoorzadeh¹ MD

¹ Department of Psychology, Faculty of Education Sciences and Psychology, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran

*Correspondence to: Shahrbanoo Aali, Email: aali@um.ac.ir

ARTICLE INFO

Article history:

Received: April 29, 2024

Accepted: July 29, 2024

Online Published: August 19, 2024

Keywords:

Criminal thinking
Intergenerational relations
Mother and child

HIGHLIGHTS

1. Due to the importance of the mental health of young people and the increase in the number of criminal behaviors in this group, the issue of crime prevention among young people, especially students, has received much attention from crime prevention officials and educational planners.
2. There is a direct and meaningful relationship between the psychological characteristics of parents and the emergence of criminal thinking in their children. And mothers' early maladaptive schemas are related to daughters' early maladaptive schemas, and through the mediating of schema modes, it can predict the formation of criminal thinking in young people.

ABSTRACT

Introduction: Engaging in behaviors that violate university rules and regulations significantly impacts students' lives. Therefore, investigating the underlying factors contributing to students' criminal behaviors has become a critical area of focus for researchers in the field of criminal psychology in recent years, resulting in numerous theories. The aim of the present study is to examine the role of schema modes in the intergenerational transmission of mothers' early maladaptive schemas to their daughters and the formation of criminal thinking patterns among female university students.

Methods: This study employed a descriptive correlational research design. The research population consisted of all female students enrolled at Ferdowsi University of Mashhad during the academic year 2021-2022, along with their mothers. A sample of 200 female students and their mothers was selected using a convenience sampling method. The research instruments included three questionnaires: The Early Maladaptive Schemas Questionnaire, the Schema Modes Questionnaire, and the Criminal Thinking Patterns Questionnaire. All three questionnaires were completed by the students, and the Early Maladaptive Schemas Questionnaire was also completed by their mothers. Data analysis was conducted using AMOS software to test the structural equation model.

Results: The results demonstrated a direct and significant impact of mothers' early maladaptive schemas on their daughters' schema modes ($P < 0.05$, $\beta = 0.20$), daughters' early maladaptive schemas ($P < 0.05$, $\beta = 0.43$), and criminal thinking patterns in daughters ($P < 0.05$, $\beta = 0.45$). Additionally, the mediating role of schema modes between mothers' early maladaptive schemas and daughters' early maladaptive schemas, as well as between mothers' early maladaptive schemas and daughters' criminal thinking patterns, was confirmed.

Conclusion: As the statistical results indicated, mothers and their early maladaptive schemas play a significant role in the formation of criminal thinking patterns that contribute to university misconduct. Therefore, to prevent student violations, educational planners should focus on developing specialized educational programs for mothers.

How to cite: Fayyaz Parsa Z, Aali S, Ghanaei Chamanabad A, Teimoorzadeh F. The role of schema modes in the intergenerational transfer of early maladaptive schemas of mother and child and the formation of criminal thinking patterns in students. *Iran J Forensic Med.* 2024;30(2):102-12.



نقش ذهنیت‌های طرح‌واره‌ای در انتقال بین نسلی طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه مادر و فرزند و شکل‌گیری الگوی تفکر جرم‌زا در دانشجویان

زینب فیاض پارسا^۱ MD، شهربانو عالی^{۱*} PhD، علی غنایی چمن‌آباد^۱ PhD، فاطمه تیمورزاده^۱ MD

^۱ گروه روان‌شناسی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران

* نویسنده مسئول: شهربانو عالی، پست الکترونیک: aali@um.ac.ir

اطلاعات مقاله

تاریخچه مقاله:

دریافت:

۱۴۰۳/۰۲/۱۰

پذیرش:

۱۴۰۳/۰۵/۰۸

انتشار برخط:

۱۴۰۳/۰۵/۲۹

واژگان کلیدی:

تفکر جرم‌زا

روابط بین نسلی

مادر و فرزند

نکات ویژه

- ۱- با توجه به اهمیت سلامت روان جوانان و همچنین افزایش آمار ارتکاب رفتارهای مجرمانه در این قشر، موضوع پیشگیری از جرم در میان جوانان و به ویژه دانشجویان بسیار مورد توجه متولیان پیشگیری از جرم و برنامه‌ریزان آموزشی قرار گرفته است.
- ۲- بین ویژگی‌های روان‌شناختی والدین و بروز تفکر جرم‌زا در فرزندان آنها رابطه مستقیم و معناداری وجود دارد. طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه مادران با طرح‌واره‌های ناسازگار دختران رابطه دارد و با میانجی‌گری ذهنیت‌های طرح‌واره‌ای می‌تواند شکل‌گیری تفکر جرم‌زا را در جوانان پیش‌بینی کند.

چکیده

مقدمه: ارتکاب رفتارهای مغایر با قوانین و مقررات دانشگاه از آسیب‌های تأثیرگذار بر زندگی دانشجویان است. از این‌رو بررسی عوامل زمینه‌ساز بروز رفتارهای مجرمانه دانشجویان در سال‌های اخیر از مسائل مهم پیش روی محققان حوزه روانشناسی جنایی بوده و نظریه‌پردازی‌های بسیاری در این حوزه انجام شده است. هدف از پژوهش حاضر بررسی نقش ذهنیت‌های طرح‌واره‌ای در انتقال بین نسلی طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه مادر و فرزند و شکل‌گیری الگوی تفکر جرم‌زا در دانشجویان دختر است.

روش بررسی: طرح پژوهش، توصیفی از نوع همبستگی است. جامعه این پژوهش را کلیه دانشجویان دختر که در سال تحصیلی ۱۴۰۰-۱۴۰۱ در دانشگاه فردوسی مشهد مشغول به تحصیل بودند به همراه مادرانشان، تشکیل دادند. نمونه پژوهش ۲۰۰ نفر از دانشجویان دختر به همراه مادرانشان بودند که به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. ابزارهای پژوهش شامل سه پرسشنامه طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه، ذهنیت‌های طرح‌واره‌ای و تفکر جرم‌زا بود. هر سه پرسشنامه توسط دختران و پرسشنامه طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه توسط مادران آنها تکمیل شد. تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار AMOS برای آزمون مدل معادلات ساختاری انجام شد. **یافته‌ها:** نتایج، تأثیر مستقیم و معناداری را بین طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه مادران با ذهنیت طرح‌واره‌ای دختران ($P < ۰/۰۵$ و $\beta = ۰/۲۰$) طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه دختران ($P < ۰/۰۵$) و $\beta = ۰/۴۳$) و تفکر جرم‌زا در دختران ($P < ۰/۰۵$ و $\beta = ۰/۴۵$) نشان داد. همچنین نقش میانجی‌گری ذهنیت‌های طرح‌واره‌ای بین طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه مادران و طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه دختران و بین طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه مادران و تفکر جرم‌زا در دختران تأیید شد.

نتیجه‌گیری: همان‌طور که نتایج آماری نشان داد در شکل‌گیری تفکر جرم‌زا که در بروز تخلفات دانشجویی مؤثر است، نقش مادر و طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه او اهمیت بسیاری دارد و در پیشگیری از تخلف‌های دانشجویی تدوین برنامه آموزشی ویژه مادران می‌بایست مورد توجه برنامه‌ریزان آموزشی قرار گیرد.

مقدمه

است که ارتکاب رفتارهای مغایر با قوانین و مقررات دانشگاه از آسیب‌های تأثیرگذار بر زندگی دانشجویان است. این در حالی است که به‌طور کلی آمار ارتکاب این رفتارها نیز در حال افزایش است [۱]. رضایی و همکاران [۲] در مطالعه‌ای گسترده اظهار داشتند که رفتارهای مجرمانه، پیش‌بینی‌کننده مهمی

زندگی دانشجویی با فشارهای روانی بسیاری از جمله دشواری کنار آمدن با قوانین دانشگاه و شرایط زندگی خوابگاه همراه است. بنابراین احتمال آثار نامطلوب بسیاری بر سلامت روان دانشجویان وجود دارد. شواهد پژوهشی حاکی از این

برای آسیب‌های روانی هستند. در راستای ردیابی عوامل زمینه‌ساز، پژوهش‌های پیشین حاکی از آن است که یکی از عوامل مهم و تسریع بخش در بروز رفتار مجرمانه، تفکر جرم‌زا است.

در واقع تفکر جرم‌زا به‌عنوان موضوعی مهم به افکاری که در اذهان افراد قبل از شکل‌گیری رفتارهای مجرمانه پردازش می‌شود، قابل اطلاق است. والترز [۳] الگوهای تفکر جرم‌زا را به ناتوانی در به‌کارگیری سبک‌های مقابله‌ای مناسب ربط داد. در واقع افکار جرم‌زا نوعی تحریف و انکار واقعیت هستند. بک و ویلیز [۴] در نظریه شناختی خود بیان داشت که فرآیندهای ناخودآگاه شناختی قادرند رفتارهای مثبت و منفی را هدایت کنند. در واقع خطاهای شناختی هستند که تفکر جرم‌زا را آغاز می‌کنند. شناختارها یا تفکر جرم‌زا اصطلاح چترمانندی است که شامل ارزش‌ها، باورها و تحریف‌های شناختی و گرایش‌های هیجانی است که از معیارهای اخلاقی (درست و نادرست) مستثنی است و نشان‌دهنده الگوهای فکری هستند که از قدرت رابطه بین استانداردهای اخلاقی و رفتار فرد کم می‌کنند. محتوای فکری که قانون‌شکنی و هنجارشکنی را ایجاد و موجب ادامه آن می‌شود «تفکر جنایی» نام دارد [۵، ۶].

بسیاری از نظریه‌های برجسته جرم‌شناسی این موضوع را که بزهکاران و مجرمان دارای شکل مشخصی از تفکر هستند که موجب به وجود آمدن و ترویج رفتارهای بزهکارانه و جنایی می‌شود، مطرح می‌کنند. به‌بیان دیگر افکار انحرافی موجب اعمال انحرافی می‌شوند. به‌طور مثال مجرمان معمولاً برای رفتارهای غیرقانونی‌شان اسنادهای بیرونی دارند. آنها بیشتر دلیل رفتار مجرمانه را خیانت یک همکار یا فراهم نشدن فرصت‌های شغلی از سوی جامعه می‌دانند. انحراف شناختی دیگری که معمولاً دیده می‌شود، مربوط به ادراک مجرمان از تجربیات قربانیان جرم است، به‌عبارت دیگر آنها معمولاً جرایم را بدون قربانی می‌دانند. آنها ممکن است بر این باور باشند که قربانیان از جرایمی نظیر دزدی، کلاهبرداری و حتی تجاوز جنسی آسیب خاصی نمی‌بینند مگر اینکه واقعاً آسیب جسمی بارزی داشته

باشد. به‌عبارت دیگر درد روانی برای آنها اهمیت کمتری دارد. یافته‌ها نشان می‌دهد که تفکر جنایی ممکن است یک مکانیسم مقابله ناسازگار برای مدیریت عوامل استرس‌زا باشد [۶، ۷].

یکی دیگر از عوامل مؤثر در بروز رفتارهای مجرمانه طرحواره‌های ناسازگار اولیه هستند. طرحواره‌های ناسازگار اولیه، باورهای ریشه‌ای و عمیقی در مورد خود و دیگران است که پردازش اطلاعات بیرونی را به مسیری ناکارآمد منحرف می‌کند، به طوری که در شخص نوعی ناهماهنگی و ناهمخوانی ایجاد شود. در نهایت حس‌های منفی و هیجانات منفی نیز متبلور می‌شود. نظریه یانگ و همکاران [۸] براساس بنیادی‌ترین الگوهای شناخت که همان طرحواره‌ها هستند، مطرح شده است. الگوهای فرزندپروری و نوع برخورد والدین با فرزندانشان شکل‌گیری طرحواره‌های آنها را منجر می‌شود. همین طرحواره‌ها در زندگی بزرگسالی بسیار تعیین‌کننده‌اند و نوع نگاه افراد به زندگی، نوع روابط افراد و حتی آینده شغلی آنها را تحت تأثیر قرار می‌دهند. طرحواره‌های ناسازگار درون خانواده و روابط بین فردی آنها شکل می‌گیرد و این موضوع، اهمیت روابط اولیه را گوشزد می‌کند. در همین راستا مطالعات پیشین نشان داده‌اند که طرحواره‌های ناسازگار اولیه از طریق تجربیات نامطلوب دوران کودکی، مانند بدرفتاری و نیازهای اصلی برآورده نشده از مادر به فرزندان، منتقل می‌شوند [۹-۱۱].

پژوهش‌های اخیر حاکی از آن است که طرحواره‌های مادران بیش از آنکه بر طرحواره‌های فرزندانشان تأثیر بگذارد، بر شکل‌گیری ذهنیت‌های طرحواره‌ای مؤثر است [۱۲]. ذهنیت‌های طرحواره‌ای، هم شامل بخش شناخت و هم شامل بخش رفتار طرحواره‌های سازگار یا ناسازگار می‌شوند که به‌طور موقت سیستم پردازش اطلاعات فرد را تحت تأثیر قرار می‌دهند. این ذهنیت‌ها به‌طور لحظه‌به‌لحظه در موقعیت‌هایی که احتمالاً چالش‌های هیجانی هستند برانگیخته شده و به‌صورت جلوه‌های عاطفی، هیجانی و پاسخ‌های مقابله‌ای خود را نشان می‌دهند. این ذهنیت‌های طرحواره‌ای در چهار گروه کلی دیده می‌شوند که شامل

حاضر این است که آیا ذهنیت‌های طرح‌واره‌ای در رابطه با طرح‌واره‌های ناسازگار مادر و دختر و شکلگیری تفکر جرم‌زا نقش میانجی ایفا می‌کنند یا نه؟

روش بررسی

طرح پژوهش، توصیفی از نوع همبستگی است. جامعه این پژوهش را کلیه دانشجویان دختر که در سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۰ در دانشگاه فردوسی مشهد مشغول به تحصیل بودند، به همراه مادرانشان، تشکیل دادند. طبق نظر کلاین در سال ۲۰۱۱ حجم نمونه در مطالعاتی که از معادلات ساختاری استفاده می‌شود، حدود ۲۰۰ مورد است [۲۶]. در پژوهش حاضر به تبعیت از فرمول کلاین ۲۰۰ دختر و مادرانشان با روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. مجرد بودن دانشجویان، داشتن سن ۱۸ تا ۳۵ سال، رضایت آگاهانه برای شرکت در پژوهش از معیارهای ورود به پژوهش بوده و تکمیل ناقص پرسشنامه‌ها از معیارهای خروج است.

برای اجرای پژوهش، با توجه به شرایط شیوع ویروس کرونا، پرسشنامه‌ها به صورت آنلاین تهیه شد و از طریق شبکه‌های اجتماعی در اختیار دانشجویان قرار گرفت. در این راستا به شرکت‌کنندگان توضیح داده شد که اطلاعات محرمانه است. همچنین برای شرکت در پژوهش اختیار کامل دارند و در صورت بی‌میلی به همکاری نیازی به پاسخ دادن به سوالات ندارند. در نمونه پژوهش، سطح سنی دخترانی که بین ۱۹ تا ۲۵ سال و مادرانی که بالای ۴۵ سال است، بیشتر از دسته‌های دیگر بوده و فراوانی آنها به ترتیب ۱۰۰ و ۱۴۸ است. ابزارهای پژوهش شامل سه پرسشنامه طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه، ذهنیت‌های طرح‌واره‌ای و تفکر جرم‌زا بود.

پرسشنامه طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه: این پرسشنامه ۷۵ آیتمی توسط یانگ [۲۰] طراحی شده و طرح‌واره‌هایی نظیر: محرومیت عاطفی، رهاکردن، بی‌اعتمادی/ بد رفتاری، نقص/ شرم، انزوای اجتماعی، شکست، وابستگی/ بی‌کفایتی، آسیب‌پذیری در برابر ضرر یا بیماری، خودتحويل نیافته/ گرفتار،

ذهنیت‌های کودکانه، ذهنیت‌های مقابله‌ای ناکارآمد، ذهنیت‌های والد ناکارآمد و ذهنیت بزرگسال سالم هستند [۱۳]. ذهنیت‌های کودکانه شامل کودک آسیب‌پذیر، کودک عصبانی، کودک بی‌انضباط و کودک شاد است. سبک‌های مقابله‌ای ناکارآمد شامل ذهنیت تسلیم‌شده، بی‌تفاوت، خودبزرگ‌بین و زورگو است. ذهنیت والد ناکارآمد نیز از دو زیرمجموعه والد تنبیه‌گر و پرتوقع تشکیل شده است. ذهنیت بزرگسال سالم که در برابر ذهنیت‌های ناکارآمد قرار می‌گیرد، شاخصه‌ای مهم از سلامت روان است [۱۶، ۱۳].

پژوهش‌های پیشین نشان می‌دهند که ذهنیت‌های طرح‌واره‌ای می‌تواند پرخاشگری، خشونت و جنایت را پیش‌بینی کند. در پژوهش دی و همکاران [۱۷] رابطه تفکر جرم‌زا در انتقال بین نسلی تأیید شده است. پژوهش دیگری نیز بیان می‌دارد که سبک‌های تفکر مجرمانه با هویت اجتماعی جنایی، سبک‌های فرزندپروری مستبدانه و سهلگیرانه رابطه مثبت معنادار دارد [۱۸].

در همین راستا پژوهش‌ها حاکی از آن است که طرح‌واره‌های مادر، طیفی از طرح‌واره‌های دختر را پیش‌بینی می‌کنند و طرح‌واره‌های دختر با سبک‌های فرزندپروری ارتباط دارند [۱۳]. یانگ و همکارانش [۱۹] متعاقباً اصطلاح طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه را مطرح کردند تا باورهای هسته‌ای ناسازگار یا ناکارآمد را که از کودکی تا بزرگسالی ایجاد می‌شوند، تعریف کنند. شناسایی چنین طرح‌واره‌هایی توسط پرسشنامه طرح‌واره یانگ اندازه‌گیری می‌شوند [۱۳]. باتوجه به آنچه بیان شد، می‌توان دریافت که طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه از درون خانواده و از خلال رابطه کودک و اطرافیان، به ویژه والدین، شکل می‌گیرند. در همین راستا یافته‌های پژوهشی موجود نشان داده که طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه و ذهنیت‌های طرح‌واره‌ای با انواعی از آسیب‌های روانی و رفتارهای ناسازگار ارتباط داشته‌اند. با این حال بر اساس جستجوی پژوهشگران مطالعه حاضر تاکنون پژوهشی رابطه طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه را با تفکر جرم‌زا و احتمال انتقال بین نسلی از والدین به فرزندان بررسی نکرده است. از این رو، مسئله پژوهش

اطاعت، ایثار، بازداری هیجانی، معیارهای سرسختانه، استحقاق/ بزرگ منشی، خویشنداری و خودانضباطی ناکافی، پذیرش جویی/ جلب توجه، منفی گرایی/ بدبینی و تنبیه را می‌سنجد [۲۱]. این ۱۵ طرحواره ناسازگار اولیه با مقیاس لیکرت طراحی شده‌اند، یعنی با یک مقیاس ۶ درجه‌ای نمره‌گذاری می‌شوند (۱=کاملاً نادرست و ۶=کاملاً درست). در این ابزار، هر ۵ سؤال یک طرحواره را می‌سنجد. در صورتی که میانگین هر خرده مقیاس بالاتر از ۳ باشد آن طرحواره ناسازگار است. پایایی و روایی این ابزار در پژوهشهای متعددی به اثبات رسیده است. هنجاریابی این پرسشنامه در ایران توسط صلواتی و همکاران [۲۷] در بین دانشجویان مشغول به تحصیل دانشگاه تهران انجام گرفته و همسانی درونی با استفاده از آلفای کرونباخ در جمعیت خانم ۹۵ و در جمعیت آقا ۹۸ درصد به دست آمده است. روایی و پایایی نیز در نسخه اصلی با استفاده از روش دو نیمه کردن، سطح پایایی آن ۰/۹۵ و روایی آن با تحلیل عاملی و همبستگی ۰/۹۰ گزارش شده است [۲۰].

پرسشنامه ذهنیت‌های طرحواره‌ای: پرسشنامه برای ارزیابی ذهنیت‌های ۱۴ گانه طرحواره‌ای (ذهنیت کودک آسیب‌پذیر، کودک عصبانی، کودک تکانشی، کودک عصبانی، کودک شاد، کودک بی‌انضباط، ذهنیت تسلیم شده مطیع، ذهنیت محافظ بی‌تفاوت، ذهنیت خودآرام بخش بی‌تفاوت، ذهنیت خودبزرگ منش، ذهنیت زورگو و تهاجمی، ذهنیت والد تنبیه‌گر و ذهنیت والد پرتوقع) طراحی شده است.

سؤالات به صورت طیف لیکرت ۶ درجه‌ای طراحی شده است. این پرسشنامه ۱۲۴ سؤال دارد. برای به دست آوردن امتیاز مربوط به هر بعد، تمام سؤالات آن بعد جمع می‌شوند. نمرات بالا در هر ذهنیت نشانگر حاکمیت آن ذهنیت بر سیستم پردازش اطلاعات است. در این بین طبق تحقیقات انجام شده توسط لابستال و همکاران [۱۶] در مورد پایایی این پرسشنامه، همبستگی درونی خرده مقیاس‌ها با استفاده از تحلیل عاملی و از طریق آلفای کرونباخ از ۰/۷۶ تا ۰/۹۶ است و میانگین ۰/۸۹ است. در

مطالعه ایرانی، نیز روایی پرسشنامه با استفاده از تحلیل عاملی تاییدی ۰/۸۰ و پایایی آن به واسطه آلفای کرونباخ ۰/۸۹ گزارش شد [۱۵].

پرسشنامه شناختارهای جرم‌زا: این پرسشنامه توسط تانجی و همکاران [۷] برای سنجش الگوهای شناختی مربوط با جرم طراحی شده است. پرسشنامه شناختارهای جرم‌زا دارای ۲۵ ماده و ۵ خرده‌مقیاس است که شامل شناخت‌های مربوط به استحقاق، شکست در مسئولیت‌پذیری، جهت‌گیری کوتاه‌مدت (کامرواسازی فوری)، فقدان حساسیت به تأثیر جرم، نگرش منفی به صاحبان قدرت. نمره‌گذاری بر روی یک مقیاس ۴ درجه‌ای از یک برای «بسیار مخالفم» تا چهار برای «بسیار موافقم» درجه‌بندی شده است. در پژوهش تانجی و همکاران [۷] پایایی پرسشنامه با روش آلفای کرونباخ سنجیده شده و از ۰/۸۱ تا ۰/۶۱ گزارش شده است. آلفای کرونباخ برای کل مقیاس نیز ۰/۷۵ است. همچنین این ابزار همبستگی بالایی با پرسشنامه‌های درگیری در رفتارهای جنایی، مقیاس خودگزارشی پرخاشگری داشته است. در پژوهش‌های داخلی نیز این ابزار توسط صادقی شاهرخت و آهی [۶] اعتباریابی شده است. نتایج مربوط به اعتبار آزمون با روش تحلیل عاملی اکتشافی ساختار ۵ عاملی استخراج کرد که ۵۰/۰۴ درصد از واریانس آزمون را تبیین کرد. در این پژوهش ضرایب آلفا برای عوامل ۵ گانه و کل پرسشنامه از ۰/۶۵ تا ۰/۸۹ هستند. همبستگی بین نمره شناختارهای جرم‌زا با نمره سایکوپاتی، ماکیاولیسم و خشم، مثبت و معنادار و با نمره درستکاری و همدلی، منفی و معنادار بود.

فرضیه‌های پژوهش با استفاده از آزمون همبستگی پیرسون و معادلات ساختاری در سطح معناداری ۰/۰۵=α مورد تحلیل قرار گرفت. در واقع برای آزمون مدل نظری پژوهش از مدلیابی معادلات ساختاری به عنوان طرح همبستگی پیشرفته استفاده شده است. تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS ویرایش ۲۳ و برای آزمون مدل معادلات ساختاری از نرم‌افزار AMOS انجام شد.

یافته‌ها

تعداد اعضای شرکت کننده در این پژوهش ۲۰۰ نفر از دانشجویان دختر به همراه مادرانشان بودند. ۵۰ درصد دانشجویان دارای گروه سنی بین ۱۹ تا ۲۵ سال، ۲۵/۵ درصد بین ۲۵ تا ۳۰ سال، ۲۴/۵ درصد بین ۳۰ تا ۳۵ سال و ۲۶ درصد مادران آنها بین ۴۰ تا ۴۵ سال و ۷۴ درصد بالای ۴۵ سال بودند. ۷۵ درصد دانشجویان دارای تحصیلات لیسانس و ۲۵ درصد فوق لیسانس بودند. همچنین، ۵۰ درصد مادران دارای تحصیلات دیپلم و ۵۰ درصد دارای تحصیلات لیسانس بودند.

ابتدا نرمال بودن توزیع داده‌ها توسط شاخص‌های چولگی و کشیدگی مورد بررسی قرار گرفت. باتوجه به مقادیر چولگی و کشیدگی مربوط به متغیرهای پژوهشی که در بازه (۲ و -۲) قرار دارند، می‌توان گفت توزیع داده‌های مربوط به متغیرهای پژوهشی نرمال است. همچنین از آزمون کالموگروف اسمیرنوف برای آزمون نرمال بودن پیش فرض توزیع نمرات استفاده شد. به دلیل اینکه سطح معناداری آزمون بیشتر از ۰/۰۵ بود، می‌توان گفت که توزیع داده‌ها طبیعی است.

نتایج حاصل از آزمون همبستگی پیرسون نشان داد که بین طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه مادران و طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه دختران آن‌ها رابطه مثبت و معنادار وجود دارد. سطح معناداری روابط $P < 0/05$ و جهت رابطه مثبت است. همچنین بیشترین همبستگی مربوط به خودگردانی و عملکرد مختل مادران با خودگردانی و عملکرد مختل دختران ($r = 0/59$) است.

نتایج حاصل از آزمون همبستگی پیرسون نشان داد که بین طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه مادران و طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه دختران آنها رابطه مثبت و معنادار وجود دارد. سطح معناداری روابط $P < 0/05$ و جهت رابطه مثبت است. همچنین بیشترین همبستگی مربوط به خودگردانی و عملکرد مختل مادران با خودگردانی و عملکرد مختل دختران ($r = 0/59$) است.

شایان ذکر است که طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه و

مولفه‌های آن رابطه معناداری با ذهنیت طرح‌واره‌ای و مولفه‌های آن دارد ($P < 0/05$). بیشترین همبستگی مربوط به محدودیت‌های مختل و ذهنیت کودکانه است ($r = 0/36$) در نهایت بین طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه مادران و تفکرهای جرمزای دختران آنها رابطه معنادار وجود دارد. نتایج نشان می‌دهد سطح معناداری $P < 0/05$ است و جهت رابطه مثبت است. در این راستا بیشترین همبستگی مربوط به طرح‌واره مادران و تفکر جرم‌زا است ($r = 0/44$). بنابراین می‌توان گفت رابطه مثبت و معناداری بین طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه مادران و مؤلفه‌های آن با تفکر جرم‌زای دختران و ابعاد آن وجود دارد. بدین‌صورت که با افزایش طرح‌واره ناسازگار اولیه مادران، سطح تفکر جرم‌زا در دختران نیز بالا می‌رود و برعکس.

برای بررسی نقش میانجی ذهنیت‌های طرح‌واره‌ای دختران بین طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه مادران و طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه دختران از مدل معادلات ساختاری استفاده شد. برای ارزیابی مدل معادلات ساختاری شاخص‌های گوناگون و مختلفی وجود دارد که «شاخص‌های برازندگی» نام دارند. این شاخص‌ها پیوسته در حال مقایسه، توسعه و تکامل هستند، اما هنوز درمورد حتی یک آزمون بهینه نیز توافق نظر همگانی وجود ندارد. شاخص‌هایی که در این مطالعه مورد استفاده قرار گرفته‌اند، عبارتند از کای اسکور نسبتی که از تقسیم ساده مقدار کای اسکور بر درجه آزادی مدل محاسبه می‌شود (χ^2/df) که مقدار (میزان) قابل قبول برای این شاخص مقادیر بین ۱ تا ۳ است. شاخص RMSEA که مدل‌های قابل قبول دارای مقدار (میزان) کمتر از ۰/۰۸ هستند. همچنین شاخص‌های CFI، IFI، GFI، AGFI و NFI که مقدار قابل قبول برای این نوع شاخص‌ها می‌بایست بزرگ‌تر از ۰/۹ باشد. نتایج نشان می‌دهند مقدار RMSEA برابر با ۰/۰۴۰ است و با توجه به اینکه کمتر از ۰/۰۸ است، نشان می‌دهد که مدل قابل قبول است. همچنین مقدار کای اسکور نسبتی یعنی تقسیم کای دو بر درجه آزادی برابر با ۱/۳۲ (۲۶۹۶/۳۵۸۰، ۷۶) است و بین ۱ و ۳ است و میزان شاخص‌های CFI، IFI، GFI، AGFI

و NFI نیز به ترتیب عبارتند از: ۰/۹۳، ۰/۹۶، ۰/۹۲، ۰/۹۲، ۰/۹۱ که از ۰/۹ بیشتر هستند. در مجموع مقدار شاخص‌ها با ملاک تفسیری آنها مطابقت دارند و تحلیل عاملی تأییدی، ساختار ابعاد مورد بررسی در مدل پژوهش را تأیید می‌کند.

متغیر	۱	۲	۳	۴	۵	۶
۱- نمره کل طرحواره مادران	۰/۴۵	۰/۴۰	۰/۳۰	۰/۳۳	۰/۴۰	۰/۳۶
۲- طرد و بریدگی	۰/۵۰	۰/۵۱	۰/۴۰	۰/۴۸	۰/۴۰	۰/۵۳
۳- خودگردانی و عملکرد مختل	۰/۵۱	۰/۳۳	۰/۳۰	۰/۵۰	۰/۴۸	۰/۵۹
۴- محدودیت‌های مختل	۰/۴۵	۰/۴۴	۰/۴۳	۰/۴۸	۰/۳۲	۰/۴۰
۵- دیگر جهت‌مندی	۰/۵۱	۰/۴۰	۰/۴۴	۰/۴۷	۰/۴۴	۰/۴۸
۶- گوش‌به‌زنگی بیش از حد و بازداری	۰/۳۵	۰/۳۰	۰/۳۵	۰/۳۱	۰/۳۴	۰/۳۰

*P<0.05

جدول ۲- ماتریس همبستگی طرحواره ناسازگار اولیه مادران و ذهنیت طرحواره‌های دختران

متغیر	نمره کل ذهنیت طرحواره	ذهنیت کودکان	والد درونی	سازگاریه یکپارچه	مقایله‌ای ناکارآمد
نمره کل طرحواره مادران	۰/۲۵	۰/۳۰	۰/۳۰	۰/۲۶	۰/۲۲
طرد و بریدگی	۰/۲۴	۰/۳۲	۰/۲۷	۰/۳۶	۰/۲۳
خودگردانی و عملکرد مختل	۰/۲۰	۰/۳۳	۰/۲۸	۰/۳۰	۰/۲۹
محدودیت‌های مختل	۰/۳۵	۰/۳۶	۰/۲۱	۰/۱۵	۰/۲۲
دیگر جهت‌مندی	۰/۲۵	۰/۳۴	۰/۲۳	۰/۱۴	۰/۳۲
گوش‌به‌زنگی بیش از حد و بازداری	۰/۲۹	۰/۲۶	۰/۳۱	۰/۲۰	۰/۳۴

*P<0.05, **P<0.01

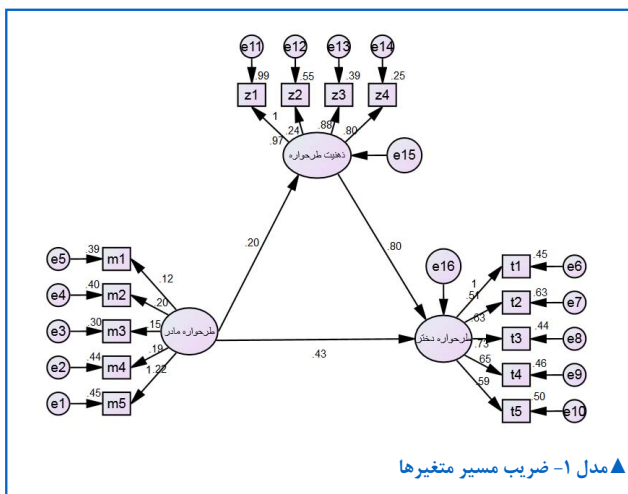
جدول ۳- ماتریس همبستگی طرحواره‌های ناسازگار اولیه مادران و تفکر جرم‌زای دختران

متغیر	تفکر جرم‌زا	شناخت استحقاق	شکست	جهت‌گیری	فقدان حساسیت	نگرش منفی
طرحواره مادران	۰/۴۴	۰/۱۲	۰/۱۶	۰/۲۹	۰/۱۵	۰/۲۳
طرد و بریدگی	۰/۱۸	۰/۱۵	۰/۳۷	۰/۲۸	۰/۱۶	۰/۲۹
خودگردانی و عملکرد مختل	۰/۲۹	۰/۱۸	۰/۳۰	۰/۲۲	۰/۱۸	۰/۲۳
محدودیت‌های مختل	۰/۳۰	۰/۳۱	۰/۲۲	۰/۲۳	۰/۲۰	۰/۲۷
دیگر جهت‌مندی	۰/۲۸	۰/۳۲	۰/۳۳	۰/۳۴	۰/۲۳	۰/۲۸
گوش‌به‌زنگی بیش از حد و بازداری	۰/۲۶	۰/۳۹	۰/۱۲	۰/۳۳	۰/۲۵	۰/۲۵

*P<0.05,

لازم به ذکر است که برای بررسی معناداری مدل از مقادیر آماره تی (t-value) استفاده می‌شود که اگر بیشتر یا بزرگ‌تر از ۱/۹۶ یا کوچک‌تر یا کمتر از ۱/۹۶- باشند، در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار خواهند بود. با توجه به نتایج مدل می‌توان گفت که طرحواره به واسطه ذهنیت طرحواره‌ای توانسته است بر طرحواره دختران تأثیر بگذارد. آماره تی نیز نشانگر معناداری این تأثیرات و ارتباطات است. در قسمت بعد به آزمون و بررسی فرضیه اصلی پژوهش پرداخته می‌شود. با توجه به مدل‌های ۱ و ۲، خلاصه نتایج به‌دست آمده از مدل برازش شده در جدول زیر نشان داده شده است.

با توجه به مدل‌های ۱ و ۲ و جدول ۵ ضرایب استاندارد شده مسیر در سطح ۹۵ درصد اطمینان معنادار بوده است. ارتباط طرحواره‌های مادران با ذهنیت طرحواره‌ای دختران به صورت مستقیم برابر با $(\beta=0/20, t=2/30)$ ، ارتباط طرحواره مادران با طرحواره دختران برابر با $(\beta=0/43, t=3/20)$ و ارتباط ذهنیت طرحواره‌ای دختران با طرحواره دختران برابر



▲ مدل ۱- ضریب مسیر متغیرها

▼ جدول ۴- تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم متغیرها

روابط مورد بررسی	β	T	P	نتیجه
طرحواره مادران -> ذهنیت طرحواره دختران	۰/۲۰	۲/۳۰	۰/۰۵	معنادار است
طرحواره مادران -> طرحواره دختران	۰/۴۳	۳/۲۰	۰/۰۵	معنادار است
ذهنیت طرحواره دختران -> طرحواره دختران	۰/۸۰	۲/۲۲	۰/۰۵	معنادار است

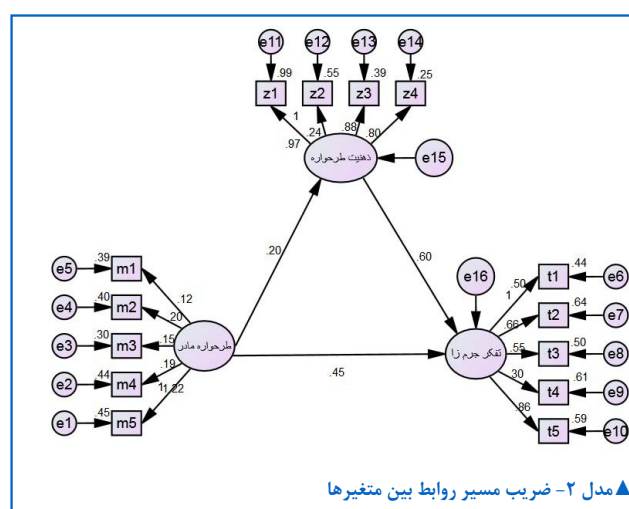
با $(t=2/22, \beta=0/80)$ است.

این تأثیرات و ارتباطات است. شاخص‌های برازندگی نشان می‌دهند که مقدار RMSEA برابر با $0/41$ است و با توجه به اینکه کمتر از $0/08$ است، نشان می‌دهد که مدل قابل قبول است. همچنین مقدار کای اسکور نسبی یعنی تقسیم کای دو بر درجه آزادی برابر با $1/32$ ($2696/3580, 76$) است و بین 1 و 3 است و میزان شاخص‌های AGFI، GFI، CFI، IFI و NFI نیز به ترتیب عبارتند از: $0/93$ ، $0/95$ ، $0/94$ ، $0/92$ ، $0/93$ که از $0/9$ بیشتر هستند. در مجموع مقدار شاخص‌ها با ملاک تفسیری آنها مطابقت دارند و تحلیل عاملی تأییدی، ساختار ابعاد مورد بررسی در مدل پژوهش را تأیید می‌کند. آماره تی نیز در سطح اطمینان 95 درصد معنادار است.

با توجه به مدل‌ها و نتایج جدول ۵، ضرایب استاندارد شده مسیر در سطح 95 درصد اطمینان معنادار بوده است. ارتباط طرح‌واره مادران با ذهنیت طرح‌واره‌ای دختران به صورت مستقیم برابر با $(t=2/30, \beta=0/20)$ ، ارتباط طرح‌واره مادران با تفکر جرم‌زا برابر با $(t=0/40, \beta=0/54)$ و ارتباط ذهنیت طرح‌واره دختران با تفکر جرم‌زا برابر با $(t=3/22, \beta=0/60)$ است.

یافته‌های جانبی پژوهش نشان داد که بین طرح‌واره ناسازگار اولیه دختران با تفکر جرم‌زای آنها رابطه مثبت معناداری وجود دارد. بیشترین همبستگی نیز مربوط به رابطه دیگر جهت‌مندی و فقدان حساسیت ($t=36/0$) است. بدین معنا که افزایش نمره طرح‌واره ناسازگار اولیه در دختران با افزایش تفکر جرم‌زا رابطه دارد.

برای بررسی این مورد که ذهنیت‌های طرح‌واره‌ای دختران در رابطه بین طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه مادران و تفکر جرم‌زای دختران نقش میانجی ایفا می‌کند نیز از مدل معادلات ساختاری استفاده شده که به مدل مربوط به آن به شرح زیر است. با توجه به نتایج مدل ۲ می‌توان گفت که طرح‌واره به واسطه ذهنیت طرح‌واره‌ای توانسته بر تفکر جرم‌زا تأثیر بگذارد. آماره تی نیز نشانگر معناداری



▲ مدل ۲- ضریب مسیر روابط بین متغیرها

▼ جدول ۵- تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم متغیرها

روابط مورد بررسی	β	t	p	نتیجه
طرح‌واره مادران - <ذهنیت طرح‌واره دختران	0/20	2/30	0/05	معنادار است
طرح‌واره مادران - <تفکر جرم‌زا	0/45	3/40	0/05	معنادار است
ذهنیت طرح‌واره دختران - <تفکر جرم‌زا	0/60	3/22	0/05	معنادار است

▼ جدول ۶- همبستگی پیرسون تفکر جرم‌زا و طرح‌واره ناسازگار اولیه دختران

متغیر	طرح‌واره دختران	طرد و بریدگی	خودگردانی و عملکرد مختل	محدودیت‌های مختل	دیگر جهت‌مندی	گوش به‌زنگی بیش از حد و بازداری
تفکر جرم‌زا	0/12	0/20	0/33	0/26	0/19	0/13
شناخت استحقاق	0/26	0/25	0/35	0/27	0/24	0/14
شکست	0/30	0/28	0/29	0/24	0/32	0/19
جهت‌گیری	0/31	0/19	0/30	0/22	0/31	0/26
فقدان حساسیت	0/22	0/16	0/21	0/23	0/36	0/22
نگرش منفی	0/16	0/30	0/19	0/18	0/12	0/27

بحث

نتایج پژوهش حاضر نشان داد که بین طرحواره‌های ناسازگار اولیه مادران و طرحواره‌های ناسازگار اولیه و ذهنیت‌های طرحواره‌ای و تفکر جرم‌زای دختران و زیرمقیاس‌های هریک از آنها ارتباطی مستقیم و معنادار وجود دارد ($P < 0/05$). همچنین ذهنیت‌های طرحواره‌ای، بین رابطه طرحواره‌های مادران با طرحواره‌های دختران و تفکر جرم‌زا میانجی‌گری می‌کنند. این نتایج با یافته‌های گیبسون و فرانسیس [۱۳]، سیمپون و همکاران [۱۴]، ایرانی [۱۵]، کشوری و همکاران [۲۴]، ترابیان و همکاران [۲۵] همسو است.

در تبیین این نتایج می‌توان گفت طرحواره‌های ناسازگار اولیه تأثیر عمیقی بر شناخت‌ها و هیجان‌هایی که فرد تجربه می‌کند، دارند و هنگامی که مادران دارای طرحواره‌های ناسازگار باشند، با همان شناخت‌ها به رابطه با فرزند می‌پردازند و فرزند، رابطه پرتنش و آسیب‌زایی را با مادر تجربه می‌کند. در جریان این روابط ناسالم مادر - فرزندی است که نیازهای عاطفی فرزندان به‌طور سالم تامین نمی‌شود و طرحواره‌های ناسازگار شکل می‌گیرند [۲۴]. فرزندان، بیشتر وقت خود را با مادرشان می‌گذرانند. این امر سبب می‌شود که مادر، نوع ذهنیت و تفکر خویش را از طریق نوع تعاملش با فرزند، به او منتقل کند. این روابط اولیه با مادر سبب ایجاد طرحواره‌های خاص در فرزند می‌شود که طرز فکرش را درمورد خود، دنیا، مادر و اطرافیان به گونه‌ای منفی تحت‌الشعاع قرار می‌دهد. در واقع طرحواره‌های ناسازگار اولیه از طریق تجربیات نامطلوب دوران کودکی، مانند بدرفتاری و نیازهای اصلی برآورده نشده، از مادر به فرزندان منتقل می‌شود و بدین‌صورت طرحواره فرزند را متأثر می‌سازد [۲۵].

طرحواره‌های ناسازگار اولیه مادران باعث تغییر در سیستم پردازشی فرزندان می‌شود. این سیستم‌های پردازشی در واقع همان ذهنیت نسبت به طرحواره‌های فردی هستند که به‌طور لحظه به لحظه در موقعیت‌هایی چالش‌انگیز هیجانی، برانگیخته شده و به صورت جلوه‌های عاطفی، هیجانی و

پاسخ‌های مقابله‌ای خود را نشان می‌دهند. طرحواره‌های ناسازگار اولیه مادر می‌تواند سبب تغییر ذهنیت طرحواره‌ای فرزندان شود [۱۳].

طرحواره‌های ناسازگار اولیه مادران به چند شیوه قادر است در ایجاد تفکر جرم‌زای دختران نقش داشته باشد و باعث ایجاد فرزندپروری نامطلوب و استبدادی شود که این سبک از فرزندپروری، سبب بروز افکار منفی و ناهنجار خواهد شد. در واقع فرزندپروری سختگیرانه و استبدادی ناشی از طرحواره‌های ناسازگار والدین، فرزندان را به سمت رفتارهای نامطلوب و ناهنجار و همچنین مجرمانه سوق می‌دهد. طرحواره‌های ناسازگار سبب بروز رفتار منفی با فرزندان می‌شود و این مورد اعتماد به نفس و عزت نفس فرزندان را کاهش می‌دهد. در نهایت این عزت نفس پایین، سبب ایجاد افکار بزهکارانه و جرم‌زا با هدف اثبات میزان ارزش خود می‌شود. در این حالت فرزندان برای بهبود روحیه خود ممکن است دست به اعمال مجرمانه بزنند یا فکر آن را در سر بیورانند. گاهی بروز چنین تفکر و رفتارهایی با هدف انتقام‌جویی آشکار می‌شود [۱۵-۱۳]. بنابراین تعاملات منفی مادران که می‌تواند متأثر از طرحواره‌های ناسازگار باشد، زمینه را برای ایجاد طرحواره‌های مشابه در فرزندان فراهم می‌سازد و هیجان خشم و طغیان را که نشانگر افکار جرم‌زا هستند، در فرزندان شکل می‌دهند [۲۳].

همچنین نتایج نشان داد که ذهنیت‌های طرحواره‌ای دختران در رابطه بین طرحواره‌های ناسازگار اولیه مادر و دختر و همچنین طرحواره ناسازگار اولیه مادران و تفکر جرم زای دختران، نقش میانجی دارد. ذهنیت‌های طرحواره‌ای قادر است سیستم‌های شناختی و پردازشی افراد را تحت تأثیر قرار دهد؛ به‌گونه‌ای که ذهن افراد را تحریک می‌کند تا در مواجهه با شرایط و موقعیت‌های خاص از خود واکنش هیجانی، رفتاری، مقابله‌ای و عملکردی نشان دهد. همچنین شیوه ارزیابی آنان از رویدادها و افراد مختلف را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد [۱۳].

در این راستا برخی از مادران دارای طرحواره‌های به‌خصوصی همچون طرد، ناشایستگی و... هستند که سبب

روان‌شناسی از دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه فردوسی مشهد استخراج شده است. با هدف رعایت اصول اخلاقی، رضایت آگاهانه مشارکت‌کنندگان جلب و به آنها درمورد رازداری و انتشار نتایج بدون ذکر اطلاعات شخصی، اطمینان خاطر داده شده است.

سهم نویسندگان: سهم نویسنده اول: ۴۰ درصد، نویسنده دوم: ۳۰ درصد، نویسنده سوم: ۲۰ درصد و نویسنده چهارم: ۱۰ درصد.

تضاد مالی: هیچ‌گونه تضاد منافی از سوی نویسندگان، گزارش نشد.

حامی مالی: هیچ‌گونه حمایت مالی از این پژوهش نشده است.

References

- Sharekian H, Aali S, Rasoolzadeh Tabatabaei SK, Moradi Tavalaei A. Psychological characteristics of students with and without disciplinary history: a comparative study. J Princ Ment Heal. 2023;25(3):161-7. [Persian]
- Rezaei G, Mhannadi MY, Barani M. Develop Strategies Organizational Transformation In Disciplinary Crime Prevention Using A Jihadist Approach. Journal Social Order. 2021;13(1):83-114. [Persian]
- Walters GD. The criminal lifestyle: Patterns of serious criminal conduct. Sage Publications; 1990. doi: 10.4135/9781483325569.
- Beck A, Willis A. Crime and Security: Managing the risk to safe shopping. Leicester: Perpetuity Press; 1995.
- Rezapour-Mirsaleh Y, Shafizadeh R, Shomali M, Sedaghat R. Effectiveness of self-compassion intervention on criminal thinking in male prisoners. Int J Offender Ther Comp Criminol. 2021;65(1):100-16. doi: 10.1177/0306624X20936192.
- Sadeghi Shahrakhti J, Ahi Q. Investigation of factor structure, validity and reliability of the Criminogenic Cognitions Scale (CCS) in Students of Birjand University of Medical Sciences. J Birjand Univ Med Sci. 2019;26(1):83-94. [Persian]
- Tangney JP, Stuewig J, Furukawa E, Kopelovich S, Meyer PJ, Cosby B. Reliability, validity, and predictive utility of the 25-item Criminogenic Cognitions Scale (CCS). Criminal Justice and Behavior. 2012;39(10):1340-60. doi: 10.1177/0093854812451092.
- McGinn LK, Young JE. Schema-focused therapy, Frontiers of cognitive therapy. Salkovskis P, editor. The Guilford Press; 1996. 182-207.
- Alahtar i, Uzer T. Understanding intergenerational transmission of early maladaptive schemas from a memory perspective: Moderating role of overgeneral memory on adverse experiences. Child

می‌شود آن‌گونه که باید از فرزند مراقبت نکنند، نیازهای او را برآورده نسازند، از او دوری گزینند و حتی گاهی او را طرد کنند. در این‌گونه شرایط کودک در دوران بزرگسالی ذهنیتی منفی راجع به ارتباطات بین فردی پیدا می‌کند و طرح‌واره‌ای شبیه به طرح‌واره مادرش می‌سازد. بدین‌صورت که فکر می‌کند دوست‌داشتنی نیست و همواره از جانب اطرفیان طرد می‌شود، بنابراین باید از اجتماع دوری کرد. همچنین امکان بروز طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه مثل طرد و بریدگی، شرم، معیارهای سرسختانه و بی‌اعتمادی در این افراد را ممکن می‌سازد. علاوه بر این، وجود چنین طرح‌واره‌ای به دلیل ارتباطات با مادر باعث بروز ذهنیتی خاص در فرزندان راجع به این طرح‌واره‌ها می‌شود. این ذهنیت‌ها دارای بار هیجانی هستند و خود را در رفتار و عملکرد منفی همچون گرایش به انجام رفتارهای ناهنجار و مجرمانه نشان می‌دهد.

نتیجه‌گیری

نتایج پژوهش حاضر نشان داد که طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه مادران با میانجی‌گری ذهنیت‌های طرح‌واره‌ای می‌تواند شکل‌گیری طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه و تفکر جرم‌زا را در دختران دانشجو پیش‌بینی کند. این نتایج تلویحات مهمی در زمینه سبب‌شناسی و پیشگیری از تفکر جرم‌زا در میان دانشجویان دارد و می‌تواند زمینه‌ساز پژوهش‌های آینده در زمینه بررسی عوامل روان‌شناختی پیش‌بینی‌کننده جرم باشد. پژوهش‌های گسترده‌تر در زمینه انتقال بین نسلی و طراحی بسته‌های آموزش فرزندپروری می‌توانند در کاهش میزان جرم و تخلف‌های دانشجویی اثربخشی قابل ملاحظه‌ای داشته باشند. این پژوهش در شهر مشهد و محدود به دانشجویان دختر دانشگاه فردوسی مشهد بوده است. بنابراین باید در تعمیم نتایج به سایر شهرها و سایر دانشجویان جانب احتیاط را رعایت کرد.

تشکر و قدردانی: ضمن تشکر از راهنمایی و مشاوره‌ی ارزشمند استادان راهنما و مشاور، از دانشجویان و مادران شرکت‌کننده در پژوهش حاضر قدردانی می‌شود.
تأییدیه اخلاقی: این مقاله از پایان نامه کارشناسی ارشد نویسنده اول در رشته

- Abuse Negl. 2022;127:105539. doi: [0.1016/j.chiabu.2022.105539](https://doi.org/10.1016/j.chiabu.2022.105539).
10. Arpaci I. Relationships between early maladaptive schemas and smartphone addiction: The moderating role of mindfulness. *Int J Ment Health Addict*. 2021;19(3):778-92. doi: [10.1007/s11469-019-00186-y](https://doi.org/10.1007/s11469-019-00186-y).
 11. Janovsky T, Rock AJ, Thorsteinsson EB, Clark GI, Murray CV. The relationship between early maladaptive schemas and interpersonal problems: A meta-analytic review. *Clin Psychol Psychother*. 2020;27(3):408-47. doi: [10.1002/cpp.2439](https://doi.org/10.1002/cpp.2439).
 12. Joosten H. How does a mindset favorable for schema (in) consistency influence innovation adoption and attitude toward innovation?. *J importance Resolv Uncertainties*. 2020;2(2):1-60.
 13. Gibson M, Francis AJP. Intergenerational Transfer of Early Maladaptive Schemas in Mother–Daughter Dyads, and the Role of Parenting. *Cognit Ther Res*. 2019;43(4):737-47. doi: [10.1007/s10608-018-09994-3](https://doi.org/10.1007/s10608-018-09994-3).
 14. Simpson SG, Pietrabissa G, Rossi A, Seychell T, Manzoni GM, Munro C, et al. Factorial Structure and Preliminary Validation of the Schema Mode Inventory for Eating Disorders (SMI-ED). *Front Psychol*. 2018;9:600. doi: [10.3389/fpsyg.2018.00600](https://doi.org/10.3389/fpsyg.2018.00600).
 15. Irani S. Predicting quality of life according to the schema modes in vitiligo patients. *Dermatology and Cosmetic*. 2019;10(2):69-80. [Persian]
 16. Lobbestael J, Arntz A, Sieswerda S. Schema modes and childhood abuse in borderline and antisocial personality disorders. *J Behav Ther Exp Psychiatry*. 2005;36(3):240-53. doi: [10.1016/j.jbtep.2005.05.006](https://doi.org/10.1016/j.jbtep.2005.05.006).
 17. Day A, Daffern M, Polaschek DL, Dunne A, Senn A. The classification of people with a history of interpersonal violence for correctional treatment purposes: Possibilities for a schema-informed approach. *Aggress Violent Behav*. 2021;59:101450. doi: [10.1016/j.avb.2020.101450](https://doi.org/10.1016/j.avb.2020.101450).
 18. Sana F, Rafiq M, Iqbal MN. Criminal thinking styles and criminal social identity among juvenile delinquents: Moderating role of parenting styles. *Pakistan Journal of Neurological Sciences*. 2021;16(2):4-11.
 19. Young JE, Klosko JS, Weishaar ME. Schema therapy: A practitioner's guide. Guilford Press.; 2003.
 20. Yang W. Children's relational schema: A predictor of peer conflict in middle childhood. University of Kentucky.; 1998.
 21. Harris AE, Curtin L. Parental perceptions, early maladaptive schemas, and depressive symptoms in young adults. *Cognit Ther Res*. 2002;26:405-16. doi: [10.1023/A:1016085112981](https://doi.org/10.1023/A:1016085112981).
 22. Ali Reza Agha Y, Borzoo A. Validity and reliability of the early maladaptive schemas inventory in children, using factor analysis. *Pejouhandeh*. 2012;17(5):265-71. [Persian]
 23. Shojaadini E. Relationship between early maladaptive schemas and attachment styles in prisoners with borderline personality disorder in Hamadan prison center. *Military Caring Sciences*. 2018;5(3):220-7. [Persian] doi: [10.29252/mcs.5.3.220](https://doi.org/10.29252/mcs.5.3.220).
 24. Keshvari F, Karbalaee Mohammad Meigouni A, Rezaabakhsh H, Pashang S. Predicting Adolescent Girls' Anxiety by Early Maladaptive Schemas of their Mothers with the Mediation of their Self-Differentiation and Early Maladaptive Schemas. *J Appl Psychol Res*. 2021;11(4):93-112. [Persian]
 25. Torabian L, Ghanbari Z, Mahrouzadeh PD. A Cross-Comparison of Early Maladaptive Schemas in Girls Dependent on Drugs, Girls with Drug Dependent Family, and Ordinary Girls. *Quarterly Journal of Family and Research*. 2014;11(1):55-72. [Persian]
 26. Sideridis G, Simos P, Papanicolaou A, Fletcher J. Using structural equation modeling to assess functional connectivity in the brain: Power and sample size considerations. *Educ Psychol Meas*. 2014;74(5):733-58. doi: [10.1177/0013164414525397](https://doi.org/10.1177/0013164414525397).
 27. Ghiasi M, Molavi M, Neshatdost H, Salavati M. The factor structure of Farsi version of Young Schema Questionnaire-S3 in two groups in Tehran. *Psychological Achievements*. 2011;18(1):93-118. [Persian]